

آینده گروه های سلفی و سناریوهای محتمل با تأکید بر داعش

هادی ترکی؛ کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانش آموخته دانشگاه باقرالعلوم(ع)
فاطمه امانی توانی، کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانش آموخته باقرالعلوم(ع)

چکیده

سلفی های منطقه خاورمیانه در نزد عامه، عموماً تروریست به حساب می آیند، حال آنکه تنها در یک فرقه از آنها، اعتقاد کامل به ترور وجود دارد. سلفی گری در واقع، بازگشت به قبل است و ویژگی بارز آنها بازگشت به سلف صالح، جهاد و تکفیر است. رشد سلفی گری در طول تاریخ به عامل داخلی و خارجی بستگی داشته است. سؤال اصلی مقاله این است که آینده سلفی ها به خصوص داعش چگونه رقم می خورد و چه سناریویی برای آنها می توان دنبال کرد؟ در پاسخ به این سوال باید گفت: سه نوع سلفی گری "سیاسی"، "تکفیری" و "اصلاحی" وجود دارد که هر یک رویه های خاص خود را برای حضور در جامعه دارند. سلفی های سیاسی صلح طلب، اصلاحی ها آموزش محور و دارای روشی میانه و سلفی های تکفیری به نوعی ستیزه جو هستند و با توجه به بحران های خاص حضور فعال پیدا کرده و به صورت انقلابی رشد می یابند. آینده سه نوع جریان سلفی به صورت خاص خود نمود پیدا خواهند کرد، "تکفیری ها" به مانند آتش زیر خاکستر (سناریوی فروکشی) هستند، "سلفی های اصلاحی" حضوری به صورت نیمه فعال دارند و "سیاسی ها" به نسبت دو گروه اول، بیشتر در عرصه سیاسی فعال اند. در میان این سه جریان، جریان سلفی تکفیری که نماینده فعلی آن "داعش" بوده، نباید انتظار داشت با سرکوب از بین خواهند رفت، و همچنین شاید شاهد حضور فعال آنها در جامعه نباشیم، لذا وجود دارند، فراز و فرود دارند اما نابود نخواهد شد و با توجه به بحران های داخلی و حمایت دیگران (عامل خارجی) در برهه هایی از تاریخ عرض اندام می کنند.

واژگان کلیدی: سلفی گری تکفیری، وهابیت، دیوبندی، اخوان المسلمین، داعش

۱. مقدمه

سلفیه می کوشد که همه امور قرآن را با علوم جدید، منطبق جلوه دهند، همه جا نیز مسلمین را به رجوع به توحید محض قرآنی و اجتناب از بدعت هایی که به مرور و در واقع پس از عهد سلف صالح در میان عوام مسلمین پدید آمده است، دعوت می کنند. سلفیه های امروزی به اقوال ابن تیمیه و ابن قیم الجوزیه و شاه ولی الله دهلوی اعتماد فروان دارند. افکار سلفیه جدید در قبل توسط مجله "المنار" در میان متجددان مسلمان در سرزمین های اسلامی منتشر می شد که از مراکش تا جاوه طرفدارانی یافت. بدون شک؛ مصلحان دینی قصدشان از دعوت در آغاز اصلاح دینی بوده، ولی بررسی ریشه های این نهضت نشان می دهد که دلایلی که از سوی پیشگامان آن ارائه می شود بیشتر اجتماعی و فرهنگی و به ویژه سیاسی است تا اخلاقی و روحانی. این کار باید با بازگشت به «اصول نخستین» جامعه عمل ببوشاند تا بدین وسیله تعالیم اسلامی و ارزش های آن در میان مسلمین اعتبار و غنای سابق خود را باز یابند. اشاره مداوم به اوایل اسلام یکی از خصوصیات عمده نهضت سلفیه است. استدلال نخستین درباره سلف گرایی بیشتر از کلیت اسلام (مانده ۳، انعام ۳۸، انعام ۵۹) و تعلیم رسول اکرم (ص) (نساء ۵۹، حشر ۷) استنباط شده است (حلبی، ۱۳۹۰: ۲۵۸-۲۶۱).

سلفیه؛ برخی آن را به معنی پدران گذشته دانسته و برخی دیگر بر همه پدران و اقربای یک فرد که از نظر زمانی یا فضیلت بر او مقدم هستند، اطلاق کرده اند. معنی متداول سلف نزد عامه مسلمانان همان معنایی است که از ظاهر این لفظ استفاده می شود و هنگامی که صالح به آن اضافه گردد به معنی گذشتگانی است که برای آینده گان مایه افتخار و سربلندی بوده اند. معنی اصطلاحی سلف، در بدعتی ریشه دارد که ابن تیمیه در قرن هفتم ایجاد کرد و تکفیری ها امروزی بر «ابن تیمیه» تأکید دارند. ابن تیمیه می گوید: سلف کسانی هستند که در "سه قرن اول اسلام" بهتر زندگی می کردند و دارای تمامی فضایل بودند و آنان برای حل هر مشکلی، شایسته تر از سایرین هستند. (موسوی علی زاده، ۱۳۹۳: ۳۰ و ۳۱) پاره ای از آرا و افکار ابن تیمیه چنین است: ظاهر گرایی، تمسک فراوان به احادیث، قول به جسمانی و مرئی بودن خداوند و بی ثباتی نظر در رد یا پذیرش شفاعت. او با علوم عقلی و عرفانی و تصوف و به دنبال آن با تشیع و معتزله مخالفت ورزیده و اموری چون زیارت اهل قبور و

صحت تاویل آیات متشابه را انکار نموده است. (تابان، ۱۳۸۳: ۸۹) البته به گونه ای، می توان سلفی گری تکفیری را به خوارج در صدر اسلام نسبت داد و آن زمانی بود که خوارج تاکید به اصلی که "هیچ کسی بجز خدا نمی تواند، حکم دهد".

در گونه شناسی سلفی گری باید به عواملی مانند؛ عقاید، سیاست و روش توجه کرد (موسوی علی زاده، قبلی: ۹۲ و ۹۳) "عقاید" به ریشه فکری آنها باز می گردد، "سیاست" به نوعی نحوه ورود به عرصه سیاسی و چگونگی تعامل با جامعه و نظام و "روش" به معنای شیوه هایی است که سعی دارد، نفوذ خود را گسترش دهد که از جمله روش های آنها می توان به جهاد، سازش و روش دیپلماتیکی اشاره کرد.

سوال ما در این مقاله این است که چه سناریوهایی را می توان برای سلفی های سه گانه "تکفیری"، "اصلاحی" و "سیاسی" به خصوص داعش (که از آن می توان آتش زیر خاکستر نام برد) بر شمرد؟ باید گفت؛ با توجه به حضور پررنگ و تاثیر فراوانی که داعش در منطقه و حتی فرمانطقه داشته، ما را بر آن داشت که سناریویی برای سلفی ها ترسیم و به آن پردازیم. در این سناریوها که بیشتر بر بُعد "اندیشه ای" و "تاریخی" تاکید شده؛ به این نتیجه رسیده ایم که "سلفی های اصلاحی" در طول تاریخ اسلام حضور داشته و البته، خیلی نقش و جایگاه موثری در جامعه اسلامی نداشته اند. "سلفی های سیاسی" که در تحولات سیاسی مسلمین حضور تقریباً دائمی داشته اند، خواستار روشی مسالمت آمیز هستند. "سلفی های تکفیری" که می توان از آنها آتش زیر خاکستر یاد کرد؛ بیشتر در بحران ها ظهور کرده و تاثیر خود را برجایی داشته اند، لازم به توضیح است؛ در گسترش سلفی گری تکفیری که بیشتر بر آن تمرکز داریم، هم عامل داخلی و هم عامل خارجی بر رشد آنها موثر بوده است که اگر خوارج را نیز در این دسته قرار دهیم نقش عامل داخلی بیشتر بر افکار آنها تاثیر داشته است، اما اگر به دیوبندیه، وهابیت و داعش امروز نگاه تاریخی داشته باشیم، متوجه این امر خواهیم شد که نقش عامل خارجی (استعمار و غرب) در رشد آن تاثیر بسزایی داشته است.

از جمله کارهایی که در راستای این موضوع پرداخته شده اما به سناریوهای سازی برای سلفی ها پرداخته نشده، می توان به کتاب "سلفی - گری (وهابیت) و پاسخ به شبهات" (رضوانی، علی اصغر، ۱۳۸۴، قم، نشر مسجد مقدس جمکران) اشاره کرد که بیشتر از منظری فقهی به رد این فرقه پرداخته و نیز، می توان به کتاب سید مهدی علی زاده موسوی با نام "سلفی گری و وهابیت: تبارشناسی (جلد ۱)" اشاره کرد که ایشان معتقداند ۵ نوع سلفی وجود دارد. همچنین مقالات بسیاری در این زمینه (سلفی ها) وجود دارد که می توان به؛ رویکردشناسی فلسفی و معرفتی جریان سلفی گری (سید باقر سیدنژاد، فلسفه دین پاییز و زمستان ۱۳۹۰ شماره ۱۱)، جنبش های سیاسی خاورمیانه از سلفی گری تا نوسلفی گری (جودکی، حجت الله؛ برومند اعلم، عباس؛ صیامیان، زهیر؛ کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، مهر ۱۳۹۲، شماره ۱۸۵، ۱۲ صفحه - از ۴ تا ۱۵)، سلف و سلف گری (سبحانی، جعفر؛ مجله: درسهای از مکتب اسلام « بهمن ۱۳۹۰ - شماره ۶۰۹ (۱۳ صفحه - از ۷ تا ۱۹)» اشاره کرد. همچنین روش مقاله به صورت توصیفی - تحلیلی است و گردآوری اسناد به صورت کتابخانه ای و اسنادی می باشد.

۲. سلفیت نوین

در اینجا به سه جنبش مهم بنیادگرا که تاثیر فراوانی در سلفی گری نوین در حوزه عملی و نظری داشته، می پردازیم. منظور ما از سلفی گری نوین در واقع سلفی گری است که با توجه به نفوذ استعمار در سرزمین های اسلامی به نوعی سعی کرده اند قدرت را در دست گیرند. یعنی؛ به گونه ای که با داشتن دانش، سعی در کسب قدرت دارند.

۲-۱. وهابی تکفیری

وهابیت را "محمد بن عبدالوهاب" که در قرن دوازدهم هجری می زیسته بنیانگذاری کرده است. افکار وی، ریشه در آراء ابن تیمیه داشته و سرزمین نجد مهد آن بوده است. (سبحانی، ۱۳۶۷: ۶۰) وهابیت را در شمار سلفی تکفیری می شناسند. "سلفی" معتقد است؛ فهم سلف از فهم خلف برتر است و "تکفیری" کسی است که همه مسلمانان اعم از شیعه و سنی و خصوصاً صوفی ها را "مشرک" و "کافر جلی" می داند که یا باید دوباره اسلام بیاورند یا کشته شوند. وهابیت از نظر فکری متعصب و خشک اند و از علوم جدید فهمشان دور بوده و فتاوی عجیبی سر می دهند به عنوان مثال می گویند: توپ فوتبال نباید گرد باشد، چون تشبه به کفار است. یا زمین فوتبال مستطیلی نباشد چون تشبه به کفار است. ریشه وهابیت در عبستان است و عامل خارجی در توسعه آن نقش به سزایی دارد. وهابیت بیشترین تاثیر را از ابن تیمیه گرفته و بیشترین ضدیت

را در عقاید، سیاست و روش با شیعیان به خصوص شیعیان دوازده امامی دارند. وهابیت در ظاهر دعوتی اعتقادی است اما بررسی آن بدون پرداختن به پیوند آن با قدرت سیاسی، امری ناتمام است. (موسوی علی زاده، ۱۳۹۳: ۳۱۳)

گسترش وهابیت با قدرت شمشیر و عامل خارجی که انگلیس بوده توانسته است در برخی مناطق اسلامی ریشه بدواند. از وهابیت تعبیر «اسلام دولتی» را استفاده می نمایند (قبلی: ۳۱۳ و ۳۱۴)؛ به این معنی که زمام امور در دست افراد غیر دینی است و آنان هستند که سیاست گذار امور دینی اند. در تبارشناسی وهابیت باید به نقش دانش و قدرت اشاره کرد. وهابیت در ابتدا حتی در عربستان نیز جایگاهی نداشت ولی با قدرت شمشیر و زور و همچنین کمک انگلیس (عامل خارجی) توانست نفوذ خود را به مرور در عربستان گسترش دهد. در رشد وهابیت، افول امپراتوری عثمانی و وجود دولت شیعه در ایران بی تاثیر نبوده است. همچنین ضعف عشیره های عربستان و ساختار قبیله ای این کشور بر قوت گرفتن وهابیت افزوده است. امروزه عربستان بزرگترین کشور حامی سلفی های تکفیری است.

۲-۲. سلفیت دیوبندی

طیف دوم سلفی، دیوبندی ها هستند. دیوبند روستایی در کنار دهلی نو که از شاه ولی الله دهلوی که معاصر عبدالوهاب بوده در هند رشد یافته است. این نوع سلفی در مخالفت با استعمار (انگلیس) به وجود آمد و دور شدن خود را از سلف، راه انحطاط مسلمانان می دانند. (ترکی، ۱۳۹۲: ۸۶) در واقع این نوع از سلفیت نسبت به ترد استعمار در نفوذ و گسترش پیدا کرده است و حال آنکه در سلفیت وهابیت نقش استعمار به عنوای بازو و اهرمی برای گسترش بوده است.

شاه ولی الله دهلوی در واقع روش حدیث گرایی را برگزید، وی علل انحطاط دین و پیدایش خرافات را دوری از منابع حدیثی می دانست، البته حدیث گرایی وی در مباحث شرک و توحید به معنی عقل ستیزی مطلق او نبود، اصل اجتهاد را می پذیرفت و معتقد بود عالمان اسلامی می توانند راه حل پیش پای مسلمین قرار دهند. البته شاه ولی الله اجتهاد در امور فرعی را محدود و در مسائل اعتقادی، برای عقل ارزشی قائل نبود. آنچه برای وی اهمیت داشت، تلاش برای نزدیکی مذاهب اسلامی به یکدیگر بوده است. از نظر وی اختلاف مکتب های چهارگانه بسیار سطحی و ظاهری است که با رجوع به کتاب و سنت رفع شدنی است به همین دلیل تقلید از مذاهب چهارگانه (حنفی، حنبلی، مالکی و شافعی) را جایز می دانست. نکته ای که شاه ولی را از دیگر سلفی ها جدا می کند توجه به تصوف است، وی پیرو «طریقه نقشبندی» بوده و این مساله، وی را از سلفی وهابی جدا می ساخت. (موسوی علی زاده، ۱۳۹۳: ۱۱۰ و ۱۱۱)

مکاتب دیوبندیه را می توان به سه دسته تقسیم کرد: گروه معتدل، گروه تندرو و گروه های تروریستی. الف). گروه معتدل؛ وابسته به حزب «جمعیت العلمای اسلام» شاخه فضل الرحمن است که هدف خود را در قالب مبارزات انتخاباتی پیش می برد.

ب). گروه تندرو؛ حزب «جمعیت علمای اسلام» شاخه «سیمع الحق» در پیشاور پاکستان می باشد که دیدگاهی به نسبت افراطی دارند که طالبان محصول عملکرد این گروه است که همان طور که گفته شد در طیف افراطی عامل خارجی نقش موثری در گسترش آن دارد و باید در نظر داشت که طالبان از تبلیغات «عربستان» و کمک تسلیحاتی «آمریکا» که عامل خارجی محسوب می شود، رشد داشت.

ج). گروه های تروریستی؛ این گروه، دیگر مسلمانان را کافر می دانند و شامل گروه هایی مانند «سپاه صحابه»، «لشکر جهنگوی» و «لشکر طیه» که رویکردی خشونت آمیز دارند را در بر می گیرد. (قبلی: ۱۱۶)

سرعت رشد مکتب و افزایش دیوبندی ها به دلیل پشتیبانی عالمان دین و همچنین عامل نفوذ خارجی (که این عامل باعث شده است مردم در صحنه بیایند) منطقه های مختلف هند گسترش یافته است. هر چند در مبانی دیوبندی نیز مخالفت با شیعه وجود دارد، اما وجود دشمن مشترک (هندوها و انگلیس ها) موجب بروز نیافتن اختلاف ها می شد. (قبلی: ۹۲ و ۹۳)

دیوبندی ها عموماً تکفیری نیستند، اما افراطی اند، به خصوص نسبت به شیعه، چرا که از شاه ولی الله تا امروز، همه علمای دیوبندیه علیه شیعه کتاب نوشته اند. پسر شاه ولی الله کتابی (با نام تحفه اثنی عشریه) علیه شیعه به فارسی نوشت. دیوبندی علیه شیعه ها به پاکستان، افغانستان، اروپا و آسیای میانه می رفتند و تفکر دیوبندی را تبلیغ می کردند. اشتراکات دیوبندیه با شیعه نسبت به وهابی در مباحث «اعتقادی» بیشتر است. مثلاً در باب تنزیه خدا، تنزیهی هستند در صورتی که وهابیون تشبیهی اند. در نبوت، جبر و اختیار مثل شیعه هستند. در کتاب هایشان به این حدیث امام

صادق(ع) اشاره داشته اند که "لا جبر و لاتفویض بل امر بین الامرین". همچنین اصل توسل را قبول دارند. در صورتی که وهابیون این موضوع را شرک می دانند. دیوبندی ها عزاداری را بدعت می دانند، وهابی ها آن را شرک می شمردند. البته در پاره ای موارد مثل "نذر" دیوبندی ها و وهابی ها هر دو آن را شرک می دانند. در واقع در دیوبندیه دو طیف افراطی به وجود آمد؛ اول سپاه صحابه (گروهی شبه نظامی از علمای اهل سنت هستند که مستقیماً شیعه می کشند و با شیعه در تضادند) و طیف دوم که اقلیت دیوبندی ها می باشند، طالبان است. (ترکی، ۱۳۹۲: ۸۷)

تفاوت های سلفی گری دیوبندی و سلفی گری وهابی را می توان این چنین برشمرد؛

الف). **توجه به عقل**؛ وهابیون جایگاهی را برای عقل نمی شمارند، درحالی که شاه ولی الله دهلوی برای عقل و اجتهاد اهمیت نسبی قائل است و عنصر اجتهاد را ضروری می دانست.

ب). **تقریب مذاهب**؛ دیوبندیه به ضرورت تقریب مذاهب معتقد است، درحالی که عبدالوهاب دیگر مسلمین را کافر می دانست و خون آنها را مباح می شمرد.

ج). **طریقت**؛ شاه ولی الله طریقت را مکمل شریعت می داند.

د). **تصوف**؛ دیوبندیه اهل صوفی به شمار می آیند ولی وهابیت به شدت با تصوف سر جنگ دارد.

ه). **مذهب**؛ وهابی ها خود را پیرو احمد بن حنبل می دانند در حالی که دیوبندی ها پیرو ابوحنیفه هستند.

ز). **کلام**؛ شاه ولی الله دهلوی «ماتریدی» بود اما وهابی ها پیرو هیچ مکتب کلامی نیستند. (موسوی علی زاده، قبلی: ۱۱۷ و ۱۱۸)

ذکر این نکته شاید خالی از فایده نباشد که دیوبندها و وهابیون علیه هم کتاب نوشته اند. (ترکی، ۱۳۹۳: ۸۶ و ۸۷) بنابراین می توان گفت که دیوبندی ها و وهابی ها از هم دور هستند، اما گروهی از دیوبندی ها که به انجام عملیات تروریستی روی آورده، باعث نزدیکی برخی از دیوبندی ها به وهابیت شده و این امر بیشتر در ارتباط علیه شیعه شکل گرفته است.

۳-۲. اخوان المسلمین

گروه سلفی دیگری که نقش بسیار مهمی را در حدود یک قرن اخیر داشته، اخوان المسلمین است. از برخی دیدگاه ها، اخوان المسلمین اولین جنبش سیاسی مسلمانان جهان است که با هدف دست یابی به حکومت اسلامی در قرن بیستم ابراز وجود نمود. (معدل، ۱۳۹۲: ۱۸۷) این جنبش از مهمترین جنبش های سیاسی-دینی مسلمانان است که با استفاده و الهام از قرآن و سنت (عمدتاً با تفسیر اهل سنت) برای دست یابی به یک حکومت اسلامی در مصر تلاش نموده است. اخوان المسلمین برای دست یابی به هدفش در کشورهای دیگر از جمله سوریه، یمن، عراق، عربستان شعبه دارد.

جنبش اخوان المسلمین در سال ۱۹۲۸ میلادی در شهر اسماعیلیه مصر توسط حسن البناء و شش تن از یارانش پایه گذاری شد و به سرعت در اقصی نقاط مصر نفوذ نمود. (گلی زواره، ۱۳۸۰: ۳۴۹ و ۳۵۰) رشیدرضا از افراد مهم اخوانی است. وی موضوع حکومت اسلامی را پس از پرداختن به مسائل خلافت به پیش می کشد و معتقد است در سه مرحله حکومت شکل می گیرد؛ اول؛ مبانی خلافت را در نظریه و نگرشی سیاسی پی جویی می کند، دوم؛ شکاف بین آن نظر و عملکرد سیاسی را در میان مسلمانان سنی نشان می دهد و سوم؛ اندیشه خود را راجع به اینکه حکومت اسلامی چگونه باشد مطرح می سازد.

رشیدرضا مخالف به خلافت نشستن "شریف حسین مکی" بود و فقط "امام یحیی یمنی" را قبول داشت و این به خاطر مهارتش در فقه، صلاحیت اخلاقی، کفایت، استقلال سیاسی و نسب قریشی اوست و بیعت مردم حجاز، تهامه و نجد برای او را شرط می داند این موارد نشان از روحیه علمی اخوانی ها دارد، هر چند همه طیف های آن اینگونه نیستند. رشیدرضا از مساله خلافت به مساله حکومت اسلامی روی می آورد و از «الدوله الاسلامیه یا حکومت الاسلامیه» یاد می کند. وی در پایان برای بازسازی خلافت دو پیشنهاد می دهد، اول؛ حاکمیت مردم و دوم امکان وضع قوانین از جانب بشر که آن را اشتراع یعنی وضع قوانین می نامد (موسوی، ۱۳۹۰: ۲۵۳ و ۲۵۴) رشیدرضا، صاحب تفسیر المنار شاگرد عبده بوده که اولش تحت تاثیر عبده و سیدجمال بود، اما با خواندن کتب ابن تیمیه، سلفی شد و صراحتاً گفته است؛ من سلفی ام، اما سلفی غیر تکفیری ام. یعنی معتقدم توسل و ... شرک است، اما مسلمانانی که این کارها را انجام می دهند، مسلمان مشرکند. آبرویشان محترم است، اما مشرکند. یوسف قرضاوی هم تابع رشیدرضا است. او می گوید مسلمانان مشرک، مشرک به شرک جلی اخفی هستند. جلی است اما چون برای

علما روشن نیست، اخفی است. رشید رضا در مجله المنار، تفکرات سلفی را به مدت ۲۵ سال نشر داد. وی تکفیر را نمی پذیرد و نگاهی تقریبی دارد که البته به "عجم" و "ایرانی ها" دید خوبی ندارد و می گوید: «مسلمانان باید وحدت داشته باشند».

حسن البناء (مؤسس اخوان المسلمین) شاگرد رشید رضا بوده و از تفکرات سلفی او تاثیر پذیرفته، اما به خاطر این که دایمی اش صوفی بوده و خودش در جوانی در حلقه های صوفیه شرکت می کرده یک صوفی به تمام معنا است. حسن البناء تا آخر عمرش ذکر صوفیانه می گفته. به نوعی می توان گفت؛ اخوان المسلمین را در شمار سلفی معتدل تقریبی آورد که با رویکردی سیاسی به دنبال حکومت اسلامی است. حسن البناء عضو دارالتقریب مصر بود. "التلمسانی" می گوید هرگاه به البناء می گفتم دعوی شیعه سنی، می گفت این حرف ها را ول کن. شیعه هم یک مذهب اسلامی است و این رویکرد در میان اصول اساسی اخوان المسلمین مانده است. (فرمانیان، ۲۶ تیر ۱۳۹۲، در گفتگو با خبرگزاری تسنیم)

نکته مهم درباره اخوان المسلمین؛ حضور این تشکل در محافل علمی، سیاسی و اجتماعی است که ریشه به علمی بودن آنان بر می گردد و این امر نسبت به وهابیت و دیوبندیه جای تامل دارد. در کل اخوان المسلمین نسبت به وهابیت و دیوبندی ها بسیار منسجم تر هم عمل کرده و هم می تواند عمل نماید و این بیشتر به دلیل صبغه علمی، روش دیپلماتیک و حضور آنها در صحنه های مختلف رقابتی است.

۳. عوامل رشد سلفی گری

عوامل رشد سلفی گری را باید مرتبط با دو عامل خارجی و داخلی دانست که به هریک آنها می پردازیم.

۳-۱. عوامل داخلی

شرایط اجتماعی، اعتقادی، اقتصادی و سیاسی هر منطقه در شکل گیری و رشد سلفی گری موثر بوده است. به طور کلی عوامل داخلی در رشد سلفی گری را می توان، انحطاط حکومت ها، سستی مسلمین در امور خود، ظلم به مسلمین، ضعف نظام سیاسی برشمرد.

رشید رضا به عنوان شخصیتی سلفی؛ معتقد است؛ چون حکومت در اسلام، الهی است، بنابراین؛ درست تر از آن چیزی است که اندیشه انسانی می تواند دریافت کند و با توجه به اینکه این اصول به درستی اجرا نشده تقصیر خود مسلمین است که از اصول حقوق عام تدوین شده در زمان خلفای راشدین منحرف شدند و چنانچه این اصول به دستی اجرا شده بود از تمامی مصائب وارد شده بر امت اسلامی جلوگیری می شد (حلبی: ۱۳۹۰: ۲۶۷) همچنین رشیدرضا سرایشی سقوط را در زمان معاویه می داند و حکومت خلفای راشدین را حکومت اسلامی و درست می داند (قبلی: ۲۶۷ و ۲۶۸).

به طور کلی می توان عامل داخلی در رشد سلفی گری در سه جنبش فوق را "دوری از کلیت اسلام" و "دوری از تعالیم رسول اکرم (ص)" به شمار آورد.

۳-۲. عوامل خارجی

عامل خارجی نیز در رشد سلفی گری و بازگشت به آیین اولیه اسلام نیز بی تاثیر نبوده است. این عوامل ممکن است دو جنبه داشته باشند، عامل خارجی در فرقه ای مانند وهابیت؛ بیشتر برای تضعیف اسلام و اهداف استعماری خودشان بوده و جنبه دیگر عامل خارجی در گسترش سلفی گری، طرد و مبارزه با استعمار است که نمونه آن در هند (دیوبندیه) است. در واقع دیوبندیه و وهابیت شعار "بازگشت به اسلام" را سر داده اند اما روش برخورد و نقش عامل خارجی در آنها متفاوت است که در ذیل به دو مورد آنها اشاره می کنیم.

در اوایل قرن هفدهم میلادی کمپانی هند شرقی از امپراتوری گورکانی اجازه تاسیس کارخانه را در سورات گرفت و سپس با خرید قطعه زمینی در جنوب هند، شهر مدرس را بنیان نهاد. پس از نبرد پلاسی در سال ۱۷۵۷م. نواحی پهناوری از بنگال به چنگ آنان افتاد. در همین سال سراج الدوله و در سال ۱۷۶۴ شجاع الدوله شکست خوردند و به این ترتیب مسلمانان به شدت تحقیر شدند و حکومت «شاه عالم» محدود به «الله آباد» گردید. حکومت بریتانیا در سال ۱۷۶۵ چند منطقه را تصرف کرد و با سرکوب مقاومت های محلی و شکست "تیپو سلطان" به دروازه های دهلی رسید. انگلیسی ها بسیاری از رسوم هند را سرکوب کردند که از جمله اقدامات آنان ترویج زبان انگلیسی در هند بود، همچنین استفاده از زبان فارسی در ادارات دولتی و دادگاه ها ممنوع شد. مسلمانان این اقدام را توطئه ای هدفمند برای از بین بردن فرهنگ ملی و دین شان تلقی

نمودند. پس از سرکوب قیام مردم هند و قتل تعدادی از مسلمانان، روحانیون پراکنده شدند و این امر باعث شد که مدرسه دیوبندیه سرانجام در مسجد «چته» گشایش یابد که هزینه اداره مدرسه توسط عموم صورت گرفت. (پیری و دورانی، ۱۳۹۱: ۸-۲۰)

نمونه دیگر در عربستان که عامل خارجی، در رشد سلفی‌گری تأثیر داشته وهابیت است. نقش مستر همفرانگلیسی در تشویق محمدبن- عبدالوهاب برای تشکیل حکومت بسیار برجسته است. وی می‌گوید: به او (عبدالوهاب) می‌گفتم: من امید بسیاری دارم که روزی اسلام به دست تو تجدید شود، زیرا تو تنها نجات دهنده‌ای هستی که امید است به وسیله تو اسلام از این سقوط نجات یابد. با محمد قرار گذاشتم که در تفسیر قرآن طبق افکار خودمان بحث کنیم، و کاری به افکار مذاهب و بزرگان اسلام نداشته باشیم و بدین منوال با همدیگر قرآن را می‌خواندیم و در قسمت‌هایی از آن بحث می‌کردیم - و منظور من از این سبک بحث این بود که محمد را به دام اندازم - و محمد هم مرتب برای آنکه روشنفکری و آزاد فکری خودش را ثابت کند بیشتر نظریاتی که من می‌دادم می‌پذیرفت (همفر، ۱۳۸۰: ۳۹) پس از رشد نسبی آئین وهابیت، محمدبن عبدالوهاب به محمدبن سعود می‌گوید: من با تو بیعت می‌کنم بر این اساس که ریاست و امامت دنیا در دستان تو و فرزندان تو باشد و ریاست و خلافت دینی مردم در دست من و بعد از من در دست فرزندانم باشد تا ابد (الدهر) (الفتح، ۱۳۸۸: ۵۹۵) و همچنین قضیه عبدالعزيز بن سعود است که؛ عبدالعزيز بن سعود رئیس حکومت عربستان، به پای "سرپرسی کوکس" افتاد. او اعلام کرد که آقای پرسکی کوکس هم پدرم بود و هم مادرم، او مرا ساخت و من را از هیچ به این مقام رساند (که رئیس منطقه حجاز هستم)، برای من مشکلی نیست، اگر دستور دهد که نصف عربستان را به او بدهم، بلکه تمام عربستان را به او تقدیم کنم. (دیکسون، ۱۹۹۰: ۲۸۱)

با توجه به وهابیت و دیوبندیه به این نتیجه می‌رسیم که عامل خارجی نیز در رشد سلفیت تأثیر مستقیم داشته هر چند نباید تأثیر عمده که داخلی است در نظر داشت، اما به هر حال نباید از عامل خارجی در رشد سلفی‌گری به سادگی عبور کرد. در هر حال داعش در ادبیاتش از «خصم نزدیک» نام می‌برد (فیرحی داود، ۱۳۹۵، www.iran-newspaper.com) و در عین حال «خصم دور» را نیز در نظر دارد.

۴. گونه‌شناسی سلفی‌گری

در اینجا به گونه‌شناسی سلفی‌گری می‌پردازیم.

همان‌طور که ذکر آن رفت، دیوبندی‌ها دارای فرقه‌های گوناگونی بوده که سپاه صحابه، لشکر طیبه و لشکر جهنگوی در راستای گروه‌های سلفی تکفیری قرار می‌گیرند که روش آنها "ترور"، و "رعب و وحشت" است که در این میان نقش عامل خارجی بسیار حائز اهمیت است، چراکه با روشی که در جامعه می‌خواهند پیاده کنند با فشارهای زیادی روبه‌رو هستند و با توجه به اهداف کشورهای غربی و همسوس شدن این سیاست‌ها با آنها در کسب قدرت کمک می‌کنند. در حال حاضر عربستان با توجه به سیاست‌های خود در منطقه حمایت‌های مستقیم و غیرمستقیم از سلفی‌های تکفیری دارد.

در اخوان المسلمین وضع به گونه‌ای دیگر است، البته در اخوان نیز برخی چهره‌ها از جمله "حسن حنفی" را تکفیری محسوب می‌کنند. "حسن حنفی" اندیشمندی مصری که تحت تأثیر فضاهای فکری دنیای عرب از جمله اخوان المسلمین، واکنش‌های بارزی در مورد هویت خواهی، عدالت جویی، چپ‌گرایی اسلامی و چالش با غرب را بیان می‌داشت و بنیادگرایی مبارز جهان اسلام را «گریه مظلومان» دانسته است و اعلام نموده درست نیست غرب به عنوان مرکزیت فرهنگی جهان به حساب آید، مسلمانان باید غرب را مورد بررسی دقیق قرار دهند و معتقد است برای پیشرفت باید برخورد آگاهی و زایش درونی و توسعه بومی توجه کرد (دانش پژوهان، ۱۳۸۳) همچنین برخی از پیروان فکری سید قطب که اغلب در زندان‌ها و شکنجه‌گاه‌های ناصر پرورش یافتند (بررسی نقش اخوان المسلمین در مصر، www.khosroshahi.org) را نیز جز سلفی‌ها تکفیری به شمار می‌آورند، همان‌طور که سید قطب گفته است؛ "هجرت کنید به جاهایی که اسلام باشد، و از این شهرها به شهرهای جاهلی حمله کنید. جهاد واجب است". (ربیع فری، بی تا: ۸۱ و ۸۰)

با توجه به اینکه رشد سلفی‌ها با بحران خلافت عثمانی تشدید شد، در مصر، اندیشمندان مصری بازگشت به آموزه‌های اسلامی را پیشنهاد کردند که اساس این نوع سلفی‌گری با سلفی‌گری وهابی و حتی سلفی‌گری شبه قاره متفاوت بود و هرگز به مواضع و رفتار موردی صحابه و

تابعین استناد نمی کردند و بیشتر بر روح دین و مبانی اسلامی تاکید می کردند. دغدغه اصلی سلفی های مصری تشکیل حکومت اسلامی است (موسوی علی زاده ۱۳۹۳: ۱۳۰)

برخی مانند آقای موسوی از پنج گونه سلفی، شامل؛ تکفیری، سیاسی، اصلاحی، جهادی و تبلیغی نام می برد. اما به نظر می رسد که این سه گونه سلفی؛ یعنی تکفیری، سیاسی و اصلاحی هم روش تبلیغی خاص خود را دارند و هم کار خود را به نوعی جهاد در راه خدا می دانند و می توان سه نوع سلفی را باز شناخت. به هر حال ما در اینجا از سه گونه سلفی گری نام می بریم که در ذیل به آنها می پردازیم.

۱-۴. سلفی گری تکفیری

سلفی گری تکفیری همان طور که از نامش پیداست، دیگر فرق مسلم را تکفیر می کند و آنها را کافر می شمارد. برخی از رهبران این گروه از اصطلاح دشمن دور و دشمن نزدیک سخن به میان می آورند و به آیه ۱۲۳ سوره توبه اشاره می کنند که: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَلْيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ» ای کسانی که ایمان آورده اید! با کافرانی که به شما نزدیک ترند، پیکار کنید! (و دشمن دورتر، شما را از دشمنان نزدیک غافل نکند! آنها باید در شما شدت و قدرت احساس کنند و بدانید خداوند با پرهیزگاران است). در واقع آنها اصطلاح خصم نزدیک به کار می برند و می توان داعش امروزی را نمونه اعلی سلفی گری تکفیری دانست.

همچنین دیوبندهایی مانند سپاه صحابه، لشکر جهنگوی، لشکر طیبه که شیعیان را تکفیر می کنند (موسوی علی زاده، همان: ۹۶) نیز در شمار سلفی های تکفیری محسوب می شوند.

برخی مانند آقای فیرحی معتقدند؛ اگر داعش را امتداد "جریان سلفی" محسوب کنیم، می توانیم آن را نسل چهارم سلفیه به حساب آوریم، که نسل اول آن، خودش را در ادبیات نظایر ابن تیمیه نشان می دهد، نسل دوم وهابی ها هستند، نسل سوم را در چارچوب جریانانی نظیر القاعده و نسل چهارم آن جریان های تکفیری نظیر داعش هستند. جریان های تکفیری یک ویژگی مشترک با بقیه ی سلفی ها دارند و آن این است که برای تاسیس زندگی روزمره شان به سلف و به نص، یعنی به سنت و قرآن برمی گردند (داعشی شدن دشوار نیست، www.feirahi.ir). البته باید در نظر داشت که همه فرقه های مسلمان حتی خود شیعه نیز رجوع به نص پیامبر (ص)، سنت (پیامبر) و قرآن دارند. لذا در جریان سلفی همان طور که ذکرش رفت باید به عامل خارجی و شرایط زمان نیز توجه نمود. دلیل این مدعا با توجه به آیه شریفه قرآن کریم است که می فرماید: «وَأَعِصُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ»؛ و همگی به ریسمان خدا (به دین و کتاب و آورندگان وحی) چنگ زنید و پراکنده نشوید، و نعمت خدا را درباره خود به یاد آرید آن گاه که با هم دشمن بودید پس میان دل های شما الفت افکند، پس به نعمت او برادر یکدیگر شدید. و شما بر لب گودالی از آتش بودید پس شما را از آن برهانید. خداوند این چنین نشانه هایی (توحید و قدرت و حکمت) خود را برای شما روشن می کند شاید هدایت یابید» (آل عمران، آیه ۱۰۳) که داعش از این امر غافل مانده و لذا در اینجا عامل خارجی نقش فعالی را ایجاد می کند.

بنابراین؛ سلفی گری تکفیری چند ویژگی مهم از جمله؛ "تمرکز و توجه بیش از حد به سلف و نص"، "عمل گرایی از هر طریق حتی ترور"، "برترانگاری افراطی خود به مثابه یا پارادایم"، "توجه به مرز کشورهای اسلامی و حمله به دشمن نزدیک (خصم نزدیک) با توجه به دسترس نبودن دشمن دور (خصم دور) یعنی صلیبیون" می توان اشاره داشت.

۲-۴. سلفی گری سیاسی

سلفی گری سیاسی سعی دارد از راه های سیاسی و مبارزاتی وارد شود. این نوع سلفی گری بیشتر در شکل احزاب و بعضاً به صورت مسالمت آمیز سعی دارند قدرت را قبضه نمایند و به نسبت معتدل تر می توانند در جامعه عرض اندام نمایند، هر چند احزاب تند نیز در میان آنها پیدا می شود.

در واقع سلفی گری سیاسی با وجود داشتن هدف های اعتقادی، بیشتر در پی هدف های سیاسی از راه سیاسی برای کسب قدرت سیاسی در تلاش هستند. هر چند حتی در این گروه که اخوان المسلمین نماینده تمام عیار آن است، اعتقاد به سازمان نظامی نیز بعضاً در بین برخی از افراد آنها دیده می شود. از نمونه های سلفی گری سیاسی می توان به حزب جمعیت دارالعلمای پاکستان اشاره کرد (موسوی علی زاده، همان: ۱۰۱ و ۱۰۲)

از ویژگی های بارز این نوع سلفی ها می توان به "روش مبارزاتی قانونی آنها"، "توجه به مسائل بین المللی"، "همگرایی و تاکید بر افزایش اتحاد بین کشورهای اسلامی" و "قانون مداری و توجه به قوانین جامعه" اشاره کرد.

۳-۴. سلفی گری اصلاحی

این نوع سلفی گری در واقع به دنبال اصلاح امور جامعه اسلامی هستند، یعنی اولاً حکومت حاضر را می پذیرد و دوم اگر کاستی در نظام و حکومت باشد سعی دارد آن را اصلاح کند و در واقع آن را مورد نقد و بررسی قرار دهد که در برخی موارد هم در عقاید و هم در مسائل سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی وارد می شوند. در واقع سلفی گری اصلاحی در پی یافتن و همچنین رفع این سوال است که علت عقب ماندگی مسلمین چه مواردی است؟ و چگونه می توان آن را اصلاح کرد؟ اندیشه های اقبال، عبده، سید جمال، شیخ شلتوت را در زمره اندیشه های اصلاحی جای می گیرد.

با توجه به گونه شناسی سلفی ها باید در نظر داشت که هر سه گونه سلفی، یعنی؛ تکفیری، اصلاحی و سیاسی به گونه ای می توان نماینده سه جنبش وهابیت، دیوبندی و اخوانی دانست، هرچند نمی توان مرزبندی دقیقی را برای آنها ارائه داد اما تا حدودی در عمل اینگونه نشان داده اند. البته در مورد دیوبندیه این دقت کمتر می توان مورد تدقیق قرار داد.

۵. سناریوهای محتمل سلفی ها

اینکه چه چیزی تصمیمی خوب را می سازد، امری کم اهمیت نیست. پس از اتخاذ یک تصمیم، شرایط تغییر می کند و هرگز نمی توان پی برد اگر تصمیم اتخاذ شده متفاوت بود چه اتفاقی می افتاد. در تحلیل نهایی سناریو، سازمان (گروه) خواهان رسیدن به اهداف خود است و نیاز به انطباق منحصر به فرد با محیط تغییر دارد. هدف راهبردسازی توسعه سیاست ها، راهنمای رفتار فردی در افراد سازمان است به نحوی که کل نظام به انطباق خوب و منحصر به فرد برسد و آن را حفظ کند. (وندر هیدن، ۱۳۹۱: ۳۵ و ۳۹) در سناریوسازی توجه به آینده پژوهی هست. در اینجا با توجه به اهمیت سلفی های تکفیری که داعش نماینده امروزی آنها می باشد و چالش هایی را در سطح جهان به وجود آورده، بیشتر آنها را مورد بررسی قرار می دهیم.

۵-۱. سودای تشکیل حکومت اسلامی

بی شک، غرب و به خصوص آمریکا (عامل خارجی) از عوامل رشد سلفی گری تکفیری در خاورمیانه اند که از سال های قبل با برنامه ریزی های در پی اهدافشان هستند. عامل خارجی از طریق فتنه مذهبی به عنوان کم هزینه ترین و بهترین نفوذ در جریان اسلام است که فتنه ترکیبی از سه ضلع "ارهاب"، "انغلاق" و "تکفیر" است که دو ضلع تکفیر و انغلاق از نظر تتوریک بوده و ارهاب جنبه عملیاتی آن است. (نباتیان، شیخ حسینی، ۱۳۹۳: ۲۲ و ۲۳) ادعای این استدلال روی کارآمدن دولت شیعی در عراق بود که عربستان و آمریکا از این امر احساس خطر کرده بودند. این امر در واقع عامل خارجی در رشد تکفیری ها است.

با سقوط صدام در سال ۲۰۰۳، عراق و منطقه وارد مرحله جدیدی شد. با منحل شدن ارتش و نهادهای سیاسی زمان صدام، آمریکا با تشکیل شورای حکومت انتقالی فعالیت هایی را برای تاسیس دولت و ساختارهای جدید عراق انجام داد. با تصویب قانون اساسی جدید در سال ۲۰۰۵ هر چند دولت مردمی عراق شکل گرفت اما شکاف های قومی، مذهبی زمینه های اجتماعی و تاریخی، شرایطی را به وجود آورد که حاکمیت این کشور تحت تاثیر قرار گرفت (شیخ حسینی، ۱۳۹۳: ۲۳ و ۲۴) و شاهد حضور جدی "الزرقاوی" در سال ۲۰۰۴ و بیعت با اسامه بن لادن در عراق بودیم (رنجبر شیرازی و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۰) در اینجا باید به عامل داخلی در گسترش و نفوذ سلفی های تکفیری توجه کرد که در واقع شکاف های قومی، بحران های داخلی از مهمترین عوامل داخلی در رشد سلفی گری تکفیری در عراق و منطقه هستند. باید در نظر داشت که ساختار فکری و عملی داعش، مبتنی بر قرائتی تجهیزیتی و ایدئولوژیک از اسلام است که ریشه آن را باید در مسائل عقیدتی، منابع مادی و انسانی و آگاهی گسترده از عوامل جغرافیایی که به دنبال دولت سازی بوده یافت (نظری و السمیری، ۱۳۹۴: ۷۶).

توجه به عامل خارجی وقتی پررنگ تر می شود که عربستان با حمله به یمن، درواقع بیانگر این امر بود که حمایت جدی از شرایط هرج و مرج گونه منطقه دارد و سعی دارد از آن استفاده کند. حمایت عامل خارجی در رشد سلفی گری تکفیری در یمن از طریق حمایت معنوی و مادی و همچنین جلوگیری از روری کارآمدن نیروهای مقاومت و انقلابی الحوثی ها در یمن باید مدنظر قرار داد. شاید به نظر آید که حمله غربی ها و روسیه به مواضع داعش نابودکننده باشد اما این امر نامحتمل به نظر می آید چرا که اتفاقات اخیر، یعنی حمله عربستان به یمن معادلات را به گونه دیگر رقم زده و این جریان امروزه با رشد سلفی ها در یمن رو به افزایش است.

ریاض با تأسیس و حمایت از مدارس وهابی در کشورهایمانند سوریه، عراق، پاکستان، بحرین، یمن به نوعی زمینه های فکری آنها را تأمین و با حمایت های مالی سعی در سدشدن از محور مقاومت و شیعه است. گسترش شیعه هراسی، ایرانی هراسی در واقع در راستای حمایت از سلفی ها در منطقه می باشد. (ترکی، ۱۳۹۲: ۶۹) برهم زدن نظم منطقه با تأمین ابزارهای جنگی برای تکفیری ها و رشد این گروه ها در سوریه، عراق و یمن و همچنین همراهی عربستان و قطر اقداماتی است برای تضعیف محور اتحاد ایران- سوریه (راهبرد عربستان، ۱۳۹۳، www.eshraf.ir) به منظور تقویت حکومت داعش است. عربستان حتی با طراحی توطئه نفتی علیه ایران و همچنین حمایت این کشور در دفاع از سهمیه اوپک در بازار جهانی به قیمت کاهش بهای نفت برای همسو شدن با رژیم صهیونیستی (نجاتی، بازتاب انقلاب اسلامی، www.ensani.ir) و حمایت از بی ثبات کردن منطقه است. عربستان (عامل خارجی) با توجه به انقلاب های چندسال اخیر در مصر، تونس و لیبی، سیاست خصمانه ای نسبت به ایران اتخاذ کرده و ایران برای همسایگان بلافصل خود در شبه جزیره عربستان و خلیج فارس، چارچوب داوری کاملاً جدیدی آفریده است. (اسپوزیتو، ۱۳۸۸: ۱۱۳) بنابراین، وجود داعش هر چند ممکن است در کوتاه مدت برای عربستان زیان آور باشد اما عقاید تکفیری برای آنها ارزشمند است، لذا تا زمانی که بحران سوریه برای ایران صدمه زننده باشد غرب و عربستان از حمایت های خود دست بر نمی دارند و جریان تکفیری در سوریه و عراق خواهند ماند (سمیعی اصفهانی و شفیعی سیف آبادی، ۱۳۹۴: ۲۱۰) البته در این رابطه باید به نقش روسیه نیز توجه کرد که در سیاست خارجی روسیه چرخش صورت گرفته و ماندن داعش و تشکیلاتی شدن قوی داعش برای روسیه زیان بار است.

جریان به نسبت خفیف تر از شکل گیری دولت داعش، تقسیم سوریه بین گروه های معارض و ملی است، تقسیمی که اولاً متناسب با جمعیت هر گروه و ثانیاً بر اساس مکانیسمی دموکراتیک و ثالثاً رهبری تشریفاتی بشار اسد باشد (که همگی به دولت سازی داعش کمک می نماید). شکی نیست که استواری و تثبیت ارزش ها و نهادهای دموکراتیک در عراق و سوریه به سهولت صورت نخواهد گرفت و زمان بر و هزینه افزا است، بنابراین برای تشکیل حکومت داعش جنبه دموکراتیک محتمل تر به نظر می رسد (ساسانیان، ۱۳۹۳: ۱۵) و آنهم با نفوذ در آینده پارلمان و پست های مدیریتی و آنهم نه توسط این مهره های فعلی بلکه افرادی مایل به این نوع طرز فکر.

۲-۵. فروکش کردن جریان سلفی تکفیری

این سناریو با نگاهی تاریخی باید به آن پرداخت. یعنی اگر به خوارج، ابن تیمیه، عبدالوهاب، شاه ولی الله دهلوی نگاهی تاریخی داشته باشیم، می بینیم در برهه ای از زمان قدرت گرفته و بعد از مدتی فروکش کردند. هر چند هرگز به طور کامل از بین نرفته اند و موجودیت خود را تا به امروز حفظ کرده اند؛ اما به مانند "آتش زیر خاکستر" هستند، یعنی به طور کامل از بین نرفته و نمی رود و با توجه به افراط نمی توانند قدرت را در روندی آرام به دست گیرند، به گونه ای که در عربستان، شاهد رویکردهای چندگانه در تصمیم گیری ها هستیم و به نوعی می توان از آن به عنوان سردرگمی و فروکشی جریان سلفی یاد کرد. عربستانی ها دو برخورد متفاوت در منطقه دارند. در سوریه از اقدام امریکا جانب داری می کنند، ولی در عراق، فعلاً تحت فشاری که وجود دارد و جوی که علیه داعش اوج گرفته است، سکوت کرده اند و ریاض هماهنگی چندانی با واشنگتن در مسئله عراق ندارد (اختلاف در رویکردهای عربی، ۱۲ مهر ۱۳۹۲، peace-ipsc.org) از آنجایی که رشد سلفی گری دو جنبه داخلی و خارجی دارد، هر گاه کشورهای حامی سلفی گری دست از حمایت خود از آنها بردارد، سلفی گری فروکش کرده و هرگاه از آنها حمایت نمایند با توجه به زمینه های داخلی در عراق و سوریه رشد آنها میسر می شود. بنابراین سناریوی فروکشی سلفی گری به عامل خارجی نیز وابسته است و هرگاه کشوری مانند عربستان با توجه به حفظ موازنه قوا و رهیافت های مشارکت (کوشکی و محمدی، ۱۳۹۴) شرایطی ایجاد کند، رشد

تکفیری های منطقه مانند داعش و النصره شیوع پیدا می کند و هر موقع لازم ببیند دست از حمایت خود از آنها بر می دارد که در واقع نوعی فروکش شدن قدرت سلفی های تکفیری محسوب می شود.

۳-۵. نابودی سلفی تکفیری

نابودی کامل سلفی تکفیری امری شاید غیرممکن باشد. اگر تکفیر و ترور را در یک راستا ببینیم، شاهد این امر هستیم که در طول تاریخ بشریت هم ترور وجود داشته هم تکفیر. نابودی گروه های تکفیری مانند داعش شاید ممکن باشد اما بی شک طرز فکر این طیف ها از بین نخواهد رفت چرا که دو عامل عقیدتی (عامل داخلی) و حمایت دیگران (عامل خارجی) با توجه روند تاریخی و عقیدنی این طرز فکرها از بین نخواهد رفت.

سلفی تکفیری تا جایی که توانسته سعی کرده در امور سیاسی و اعتقادی نفوذ خود را به هر طریق ممکن سازد؛ از خوارچ و تا به امروز وهابیت و داعش. شیوه های آنها چند ویژگی از جمله ترور، تعصب زیاد، نزدیک شدن به کفار (دشمن مسلمین) و کمک خواستن از آنها، هر چند در ارتباط با خوارچ و این تیمیه شاید نتوان شواهد تاییدی یافت، اما باید این انتظار را داشت که تکفیری ها به مانند گذشته در برهه هایی از زمان توانسته اند حکومت خود را تثبیت نمایند و بعضاً به دلیل خشونت و تعصب بیش از حد نتوانسته اند ثابت پیدا کنند و همیشه گروه های متعادل تر از درون آنها برای مبارزات سیاسی وارد عرصه شده اند. بنابراین سلفی تکفیری هیچگاه از بین رفتنی نیست. استدلال مورد ادعا در مورد حکومت مرسی است که با یکجانبه گرایی و نادیده گرفتن رقبا و همچنین تحولات منطقه (باشگاه خبرنگاران جوان، ۱۳ فرورین ۱۳۹۳، مروری بر دلایل سقوط حکومت اخوانی مرسی) نتوانست دوام بیاورد، اما همچنان طرفداران آن به طور کامل از بین نرفتند.

۶. نتیجه گیری

این مقاله با توجه به دید تاریخی که به سه جنبش وهابیت، دیوبندی و اخوانی داشته، جریان های سلفی را مورد مذاقه قرار داد. در بررسی هر سه جنبش شاهد حضور سه تیپ سیاسی، اصلاحی و تکفیری هستیم که البته به طور دقیق نمی توان مرزبندی دقیقی برای آنها قائل شد. هر کدام از سه جریان، گفتمان های را برگزیده و تمرکز خود را بیشتر بر آن نهاده اند و در روند تاریخی خودشان با توجه به عامل داخلی و خارجی تیپ های مختلفی را در خود جای می دهند. به فرض مثال دیوبندی ها علاوه بر بازگشت به اسلام، عامل خارجی (استعمار) در تشدید نقش آن جلوه مهمی دارد و یا در جریان اخوان که به نظر علمی تر و از راه های سیاسی و دیپلماتیک وارد می شود و یا جریان سلفی تکفیری نقش ترور، رعب و وحشت همیشه در آن به چشم می رسد.

بنابراین در سناریوسازی برای سلفی ها باید به نقش عامل داخلی و خارجی توجه ویژه داشت و این امر زمانی چشمگیرتر می شود که حمایت های نظامی و سیاسی غرب را در نشست های ژنو برای ماندن داعش در منطقه و رفتن بشار اسد از سوریه یادآور شد.

در اینجا سه سناریو برای سلفی ها (به خصوص تکفیری ها) که شامل "نابودی کامل"، "فروکش کردن سلفی ها" و "دولت سازی" به منظور قدرت یابی آنها مورد بررسی قرار گرفت. برای دولت سازی، باید این نکته را مدنظر قرار داد که در تعریف دولت عناصر حقوقی از جمله؛ حاکمیت، مردم، سرزمین و دولت مهم است. همچنین دولت سازی روندی تاریخی دارد نه اجباری و مقطعی که در رابطه با سلفی تکفیری به خصوص داعش و دولت سازی و دست یابی آنها به قدرت، این سناریو محتمل به نظر نمی رسد و این به معنای این است که داعش به عنوان یک پارادایم نمی تواند دولت تشکیل دهد و اگر به مرحله دولت سازی برسد تاب و تحمل رابطه برقرار کردن با نظام جهانی را نخواهد داشت و آن به دلیل امنیت زدایی آنهاست. اگر سلفی گری تکفیری، (نمونه آن یعنی داعش) رشد داشته به دو دلیل داخلی و خارجی بوده است. لذا سناریوی دولت سازی برای داعش منتفی است.

سناریوی دوم سرکوب کامل سلفی تکفیری است که به نظر می رسد امری ناممکن است. شاید بتوان تضعیف آنها را دید، اما انهدام آنها کاری ناشدنی به نظر می رسد. اگر ترور و رعب را یکی از ابزارهای جریان تکفیری بدانیم در تاریخ اسلام شاهد ترور و رعب از سوی فرقه ها بوده ایم، هیچگاه سرکوب کامل آنها وجود نداشته است. امروزه این مفروض وقتی کامل تر می شود که در عرصه جهانی شدن، گروه های تروریستی از جمله داعش را در شمار گروه های ذی نفوذ در نظام جهانی به شمار می آورند و با وجود قوانین سفت و سخت از سوی برخی کشورهای غربی

مانند آمریکا، شاهد حمایت خود این کشورها از این گروه‌ها هستیم که در این رابطه ارتباط مستقیم با منافع ملی (عامل خارجی) مد نظر است. بنابراین این گروه‌ها با حفظ هویت خود سعی در معتدل سازی خود خواهند داشت و هرگاه عرصه را برای رقابت نابرابر بدانند، ممکن است به کارهای تروریستی روی آورند.

بنابراین در دل جریان سرکوب و فروپاشی سناریوی سوم یعنی فروکشی روی می‌دهد و آن در سه زمان رخ می‌دهد؛ اول عرصه رقابت مهیا شود و تا حدودی بتوانند به اهداف خود در جامعه برسند که در این صورت به ایجاد رعب کمتر می‌پردازند و بیشتر سرگرم امورات جامعه هستند، دوم؛ هرگاه احساس کنند که روند جاری در جامعه خلاف عقاید، نص و سنت نیست. و سوم آنکه هرگاه با توجه به شرایط جامعه نتوانند به اهداف خود در جامعه دست یابند یعنی حتی با "ارهاب"، "انغلاق" و "تکفیر" نتوانند کاری را از پیش ببرند که می‌توان از آن سرکوب موقت یاد کرد. لذا محتمل‌ترین سناریو برای جریان سلفی تکفیری به خصوص داعش به عنوان نماینده فعلی این گروه، فروکشی است که به نوعی حضور همیشگی خواهند داشت و به دنبال فرصت برای ورود هستند و این فرصت وقتی ایجاد می‌شود که با توجه به بحران‌های داخلی و کمک خارجی مسیر هموار شود.

۷. منابع و مآخذ

- (۱) قرآن کریم.
- (۲) گفتگو با قاسم محب‌علی. (۱۲ مهر، ۱۳۹۲). «اختلاف در رویکردهای عربی در نگاه به ائتلاف ضد داعش»، سایت peace-ipsc.org
- (۳) اسپوزیتو، جان ال. (۱۳۸۸). «بازتاب انقلاب اسلامی». تهران: انتشارات باز، چاپ سوم.
- (۴) بررسی نقش اخوان المسلمین در مصر، سایت www.khosroshahi.org
- (۵) پیری محمد و دورانی عبدالغفور. (۱۳۹۱). «پیدایش تفکر دیوبندی در هندوستان و تأثیر آن بر بلوچستان ایران». فصلنامه مطالعات شبه قاره. سال چهارم. شماره سیزدهم.
- (۶) تابان، جعفر. (۱۳۸۳). «اجمالی از افکار ابن تیمیه و نقد آن». فصلنامه انسان‌پژوهی، پاییز ۱۳۸۳ - شماره ۱ (از ۸۹ تا ۱۰۴).
- (۷) ترکی، هادی. (۱۳۹۲). «انقلاب‌های عربی و سیاست خارجی ایران، فرصت‌ها و تهدیدها». پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه باقرالعلوم (ع).
- (۸) حلبی، علی اصغر. (۱۳۹۰). «تاریخ اندیشه های سیاسی در ایران و اسلام». تهران: دانشگاه پیام نور.
- (۹) داعشی شدن دشوار نیست؛ سازوکار نیروگیری و نحوه عمل جریانهای تکفیری، سایت www.feirahi.ir
- (۱۰) دانش پژوهان. (۱۳۸۳). «شکل گیری، اهداف و استراتژی اخوان المسلمین» بهار و تابستان ۱۳۸۳، شماره ۵.
- (۱۱) دیکسون (۱۹۹۰)، الکویت و جاراتها، ج ۱.
- (۱۲) راهبرد عربستان در قبال هژمونی منطقه‌ای ایران و جنگ نیابتی در سوریه چیست؟ (۱۳۹۳)، سایت www.eshraf.ir
- (۱۳) ربیعی فر، احمد. (بی تا). «سلفیه و امواج بیداری اسلامی»، سراج منیر.
- (۱۴) رنجبرشیرازی، امیر و همکاران. (۱۳۹۳). «جریان شناسی داعش». مرکز مطالعات فرهنگی بین‌المللی، مطالعات منطقه‌ای ۱۷، چاپ اول، ناشر سخنوارن.
- (۱۵) ساسانیان سعید. (۱۳۹۳). «ایران و مقابله با داعش، مانور نظامی یا زمینه‌سازی دیپلماتیک؟». تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- (۱۶) سبحانی، جعفر. (۱۳۶۷). «آیین وهابیت چیست؟ و پایه گذاران آن کسیت؟» رشد آموزش معارف اسلامی، شماره یک.
- (۱۷) سمیعی اصفهانی، علیرضا و محسن شفیعی سیف آباد. (۱۳۹۴). «آینده گروهک‌های تکفیری و راه کارهای ثبات بخش دولت سوریه و عراق». فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست خارجی، سال چهارم، شماره چهارده.
- (۱۸) شیخ حسینی، مختار. (۱۳۹۳). «زمینه‌های رشد تروریسم در عراق». بی جا، مجمع جهانی اهل بیت (ع).
- (۱۹) الفتج، عارف مرتضی. (۱۳۸۸). «الإيجاز فی تاریخ البصره والإحساء و نجد و الحجاز»، جامعه المصطفی العالمیه، جلد یک.
- (۲۰) فیرحی داود، «رمزگشایی از مفهوم «خضم نزدیک» در ادبیات داعش». تاریخ دسترسی ۱۳/۶/۱۳۹۵، www.iran-newspaper.com.
- (۲۱) کوشکی محمدصادق و جواد محمدی. (۱۳۹۴). «سیاست خارجی در غرب آسیا: بررسی روابط معاصر عراق و عربستان». انتشارات خرسندی.
- (۲۲) وندر هیدن کیس. (۱۳۹۱). «سناریوها هنرگفتگوی راهبردی». ترجمه مسعود منزوی، تهران: موسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
- (۲۳) گفتگو با حجت‌الاسلام مهدی فرمانیان «جریان‌شناسی سلفی‌گری؛ از وهابیت تکفیری تا اخوان المسلمین». www.tasnimnews.com.
- (۲۴) مروری بر دلایل سقوط حکومت اخوانی مرسى. (۱۳ فروردین ۱۳۹۳). سایت: باشگاه خبرنگاران جوان
- (۲۵) معدل، منصور. (۱۳۸۲). «طبقه سیاست و ایدئولوژی در انقلاب». ترجمه دکتر محمد سالار کسرائی مرکز (باز).
- (۲۶) موسوی علی زاده، مهدی. (۱۳۹۰). «تبارشناسی سلفی‌گری و وهابیت». چاپ ششم، جلد یک، آوای منجی قم.

- ۲۷) موسوی، محمد. (۱۳۹۰). «اندیشه های سیاسی در اسلام و ایران». تهران: دانشگاه پیام نور.
- ۲۸) نباتیان، محمد اسماعیل و مختار شیخ حسینی. (۱۳۹۳). «زمینه های فکری سیاسی بعثی تکفیری داعش» قم: مجمع جهانی اهل بیت.
- ۲۹) نجاتی. «بازتاب انقلاب اسلامی بر عربستان»، سایت www.ensani.ir
- ۳۰) نظری علی اشرف و عبدالعظیم السمیری. (۱۳۹۴) «بازخوانی هویت دولت اسلامی در عراق و شام (داعش): فهم زمینه های فکری و سیاسی - اجتماعی»، فصلنامه علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم (ع)، سال هفدهم، شماره ۶۸.
- ۳۱) همفر. (۱۳۸۰). «مزدوران انگلیس: خاطرات جاسوس انگلیسی در کشورهای اسلامی». مترجم مؤسسه اسلامی ترجمه، قم: الماس.